



فاطمه خادم شیرازی

کارشناس مسائل سیاسی

دولت چهاردهم با محوریت مسعود پزشکیان از نخستین روزهای استقرار خود، مأموریتی فراتر از اداره روزمره کشور برعهده گرفت. این مأموریت بازسازی عقلانیت سیاسی و احیای گفت‌وگو در جامعه‌ای بود که سال‌ها در معرض فرسایش اعتماد قرار داشت. این دولت، نه ائتلافی مقطعی از گروه‌های سیاسی، بلکه تلاشی برای ترمیم زیربنای اجتماعی سیاست در ایران محسوب می‌شود. سیاست در دهه‌های گذشته زیر فشار رقابت‌های جناحی از مسیر ملی فاصله گرفته بود. پزشکیان یاد رک این میراث دشوار، کوشید به جای تداوم منطق حذف، الگویی از همزیستی سیاسی و رقابت سالم ایجاد کند. این مدل، بر حکمرانی گفت‌وگویی متکی است. در این چشم‌انداز تازه، مخالفت سیاسی بازتعریف می‌شود. دیگر مخالف دشمن نیست، بلکه ناظر و اصلاح‌گر است. پزشکیان که از بطن نهاد‌های مدنی و مجلس برخاسته، به خوبی می‌داند دوام نظام سیاسی در یک‌دستی اجباری نیست، بلکه در پذیرش تکثر مسئولانه است. نحوه چیدمان کابینه و مشاوران دولت نیز بازتاب همین فهم است. ترکیبی از اصلاح‌طلبان، اصول‌گرایان معتدل و مدیران تخصص‌گرا، فارغ از هویت حزبی، در مدار عقلانیت و کارآمدی تعریف می‌شوند. هرچند این ترکیب ابتدا با شگفتی برخی محافل روبه‌رو شد، اما در عمل زمینه گفت‌وگوی ملی را تقویت کرد. با این حال نیروهای رادیکال از هر دو سو، چنین توازی را نشانه بی‌هویتی خواندند و دولت را متهم به عدول از مرزبندی‌های ارزشی کردند. آنان نفهمیدند که هدف عقلانیت، اصلاح زیان‌گفت‌وگو درباره ارزش‌هاست. از نگاه دولت چهاردهم، ارزش‌زمانی مؤثر است که به زبانی عقلانی و قابل‌اشتراک ترجمه شود. این رمز موجب پویایی نظام در دهه‌های گذشته بوده است. در سیاست جناحی، مشروعیت از تعلق به گروه می‌آید. در سیاست کارکردی، مشروعیت از توانایی حل مسئله ناشی می‌شود. پزشکیان محور ارزشیایی دولت را از شعار به عملکرد منتقل کرد. این تغییر نگرش الگوی تازه‌ای در جامعه پدید آورد. برای بازنگران سنتی سیاست، این تغییر نگران‌کننده بود. پایگاه اجتماعی آنان بر احساس تهدید و تفاوت می‌چرخید. جریان‌هایی که از همگرایی ملی بیم دارند، با بازتولید دوگانه‌های محافظه‌کار و اصلاح‌طلب می‌کوشند فضا را به رادیکالیسم باگردانند. این رویکرد دولت را در موقعیت تدافعی قرار داد و انرژی تصمیم‌سازی را به مجادله سیاسی منحرف کرد. جامعه برخلاف گذشته، اما تمایل بیشتری به همدلی دارد تا دوقطبی. افکار عمومی از منازعه خسته شده و ثبات و کارآمدی را بیش از هر چیز مطالبه می‌کند. پزشکیان بر همین موج اجتماعی سوار است. او سیاست را به مسیر خدمت و پاسخگویی به نیازهای واقعی بازگردانده است؛ از سلامت و معیشت تا آموزش و محیط زیست. در بطن اندیشه دولت عقلانیت، فلسفه‌مدیریتی نهفته است که مخالفت اخلاقی را تهدید نمی‌داند. بلکه از آسوخت پویایی می‌پندارد. عبور از فضای طرد به معنای پذیرش حق مخالفت، درون همان ارزش‌هایی است که نظام بر پایه آن مشروعیت یافته است. پزشکیان مرز میان انتقاد عادلانه و تخریب فرضانه را مشخص کرده است. او از منتقدان منصف، به عنوان همراه اصلاح‌بهره می‌برد. برعکس، سیاست دوقطبی بر حذف این امکان بناشده است. هرچه جامعه به سوی سیاه و سفید پیش می‌رود، ظرفیت گفت‌وگو کاهش می‌یابد. دوقطبی‌ها، چه مذهبی و چه سیاسی، در نهایت به سرکوب خرد جمعی منتهی می‌شوند. پروژه مخالفان دولت، در ظاهر مخالفت سیاسی است، اما در عمق خود باگشت به الگوی سیاست بسته محسوب می‌شود. این الگو موجب فاصله نخبگان و کاهش اعتماد عمومی شد. پزشکیان در برابر این وضعیت به گفت‌وگو پناه برده است. این انتخاب برخاسته از فلسفه حکمرانی اوست. هر مخالفی را حامل بخشی از حقیقت می‌داند. چنین نگاهی زمینه‌ساز سیاست یادگیرنده در ایران است. این سیاست از تضادها نمی‌گریزد، بلکه آنها را به منابع اصلاح تبدیل می‌کند. اگر این منطق ناهدینشه شود، هوشمندی جمعی جایگزین مصلحت‌گرایی کوتاه‌مدت خواهد شد.

در سطح منطقه‌ای، ایران با همین منطق، رویکردی مبتنی بر اعتمادسازی متقابل برگزیده است. سیاست خارجی دولت جدید، برگفت‌وگو به جای محورسازی استوار است. روابط متوازن با کشورهای همسایه مانند عربستان، عراق و عمان نشانه این تغییر است. جریان‌های تندرو در داخل و خارج، که از استمرار تنش مشروعیت می‌گیرند، درصدد تخریب این مسیر هستند. اما تجربه نشان داده است که منطق گفت‌وگو در منطقه، کارآمدتر از منطق رویارویی عمل می‌کند. از پیوندهای اقتصادی خلیج فارس تا همکاری‌های امدادی در قفقاز، تصویر تازه‌ای از ایران عقلانی در حال شکل‌گیری است. ایران به جای صدور تهدید، حامل احترام شده است. این تغییر آنقدر آشکار است که حتی ناظران خارجی از رفتار جدید ایران سخن می‌گویند. اگر قدرت نرم ایران پیش‌تر فرهنگی بایب‌تولوژیک بود، اکنون به دیپلماسی عقلانی و اقتصادی و ارتقا یافته است. ایران دیگر بازیگری و اکتنشی نیست. این کشور، کشتگری مبتنی بر تفاهم و اعتبار متقابل شده است و در نظم چندقطبی تازه می‌تواند گره‌ت‌ب منطقه باشد. کشور‌های میانه‌رو جهان از این جایگاه استقبال می‌کنند. در عرصه داخلی، گفت‌و‌و اعتدال و گفت‌وگو آثار ملموسی یافته است. همدلی اجتماعی در نهاد‌ها و استان‌ها رو به افزایش است. رسانه‌های ملی و محلی به‌تدریج از لحن تقابلی به لحن توضیحی گرایش پیدا کرده‌اند. فعالان سیاسی، حتی منتقدان اولیه دولت، اذعان دارند که پزشکیان توانسته آرامش تصمیم‌گیری را به سیاست ایران باگرداند. این آرامش پیش‌شرط هر اصلاح‌ساختاری است. جامعه در پی حکمرانی مؤثر و شفاف است. این سه مؤلفه در مرکز سیاست پزشکیان قرار دارد. اگر دولت چهاردهم بتواند مسیر فعلی را ادامه دهد، ایران در آستانه عبور از دوگانه‌های دیرینه قرار می‌گیرد. دوگانه سنت و تجدد، مرکز و پیرامون و اصلاح‌طلب و اصول‌گرا جای خود را به تقسیم‌بندی تازه عقلانی و غیرعقلانی می‌دهند. رقابت امروز در حل مسئله معنا دارد. هر که بهتر مسأله‌ای را حل کند، سهمی از قدرت می‌برد. در نتیجه، دولت چهاردهم نقطه عطفی در بلوغ سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

مصطفی هاشمی طبادر گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تهران نیاز به مدیریت

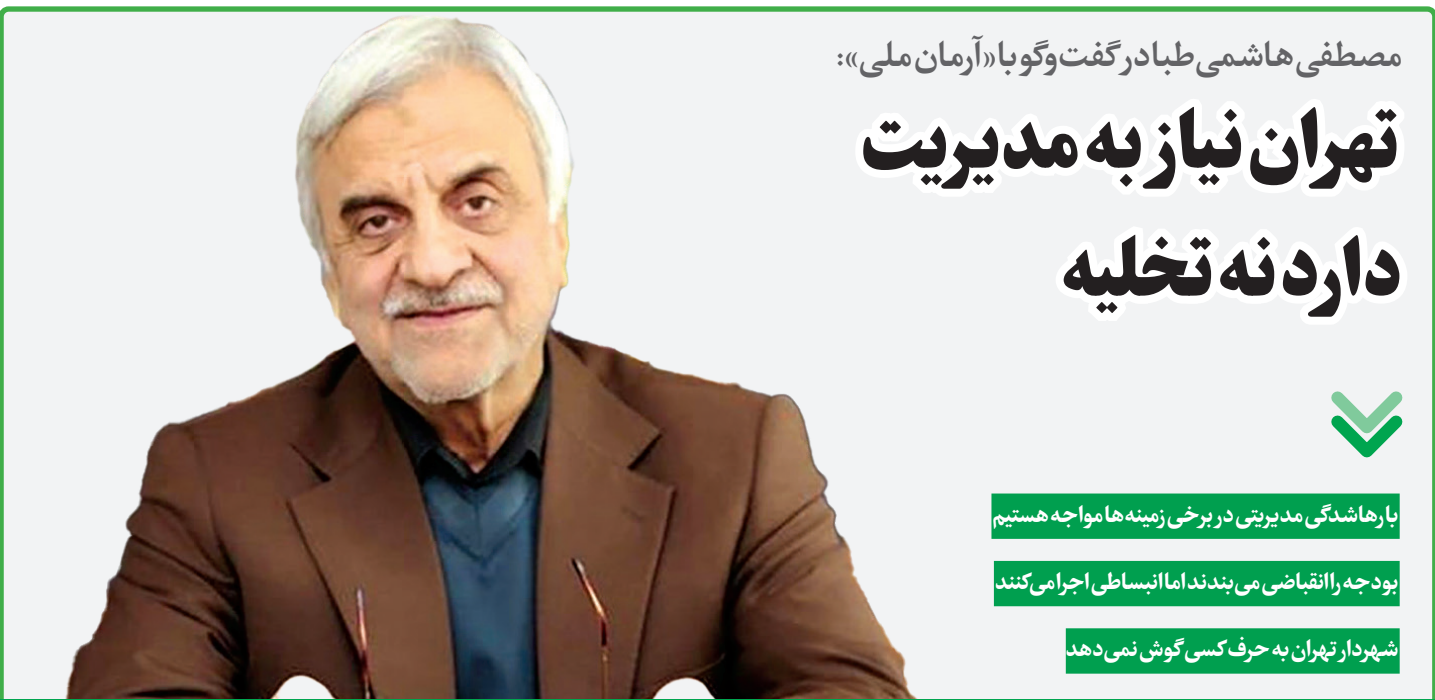
دارد نه تخلیه



بارهاشدگی مدیریتی در برخی زمینه‌ها مواجه هستیم

بود چه را انتقاضی می‌بندند اما انتبساطی اجرامی‌کنند

شهردار تهران به حرف کسی گوش نمی‌دهد



آرمان ملی - احسان انصاری: اگرچه تا دیروز مسائل اقتصادی و تنش‌های بین‌المللی دغدغه مردم بود اما امروز بحران زیست محیطی و به خصوص بحران آب به دغدغه اصلی مردم تبدیل شده است. در واقع بحران‌های گذشته نه تنها حل نشده و بلکه در حالت حل نشده باقی مانده و بحران‌های جدیدی نیز به آن اضافه شده است. همه این مسائل باعث شده که زیستگاه ایران با خطر و تهدید جدی قرار بگیرد. زیستگاهی که برای نسل‌های آینده نیز است و نسل‌های آینده باید در آن زندگی کنند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با مهندس مصطفی هاشمی طبا معاون رئیس‌جمهور در دولت اصلاحات و فعال سیاسی گفت‌وگو کرده است. هاشمی طبا معتقد است: «مدیران جامعه اعتماد به نفس کافی برای تصمیم‌گیری بزرگ را از دست داده‌اند و خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند

❖ **دلایل بحران زیست محیطی را در ایران چه می‌دانید و به چه میزان نوع راهکارهایی که دولت برای کنترل بحران در پیش گرفته‌ا موثر می‌دانید؟**

کارشناس و متخصصان از سال‌ها و بلکه دهه‌ها قبل نسبت به وقوع بحران زیست محیطی و به خصوص بحران آب هشدار داده بودند. با این وجود من به خاطر دارم برخی در نماز جمعه مقابل‌ه با خشکسالی را کارا امپریالیسم می‌دانستند و علیه آن شعار می‌دادند. نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که بحران‌های زیست محیطی به صورت یک شبه به وجود نمی‌آید و به همین دلیل مقابله و مهار چنین بحران‌هایی نیز یک شبه و به صورت دفعی امکان پذیر نیست. امروز که در شرایط بحرانی قرار داریم، همه چیز رها شده و مدیران تصمیم‌گیر تنها به مردم هشدار می‌دهند که مصرف خود را کم کنند و یا شیوه مصرف را تغییر دهند. ادامه این روند در نهایت ما را به نقطه صفر می‌رساند.

مشکلات مدیریتی ما تنها در حوزه زیست محیطی نبوده و بلکه در زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم به همین صورت بوده و ما در برخی زمینه‌ها با رها‌شدگی مواجه بوده‌ایم. من فکر می‌کنم با این رویکردی که مدیران جامعه در مقابل این بحران‌ها در پیش گرفته‌اند ما در آینده با چالش‌های بیشتری مواجه خواهیم شد.

❖ **چرا مدیریت آب رها شده است؟**

من فکر می‌کنم مدیران جامعه اعتماد به نفس کافی برای تصمیم‌گیری بزرگ را از دست داده و خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند که تصمیمات بزرگ بگیرند. آقای قالیباف بارها از تریبون‌های مختلف گفته‌اند ما باید تصمیمات مهم و اساسی بگیریم. این در حالی است که ما هنوز هیچ تصمیم بزرگی از سوی ایشان و مجلس و دولت ندیده‌ایم. تنها در پیش‌ت تریبون‌ها صحبت از تصمیم‌گیری مهم می‌شود، اما در واقعیت خبری از تصمیم‌های بزرگ نیست. یکی از دلایلی که مدیران نمی‌توانند تصمیمات بزرگ بگیرد عدم اعتماد به نفس کافی است. شرایط مدیران جامعه مانند ورزشکارانی است که خود را قبل از مسابقه بازنده می‌دانند و به همین دلیل تلاشی برای پیروزی نمی‌کنند. وضعیت مدیران ما در سال‌های ابتدایی انقلاب و تا دهه‌۷۰ به این صورت نبود و مدیران با اعتماد به نفس تصمیم‌گیری و اقدام می‌کردند. این در حالی است که روال تصمیم‌گیری امروز در کشور منطقی و عقلایی نبوده است. به همین دلیل نیز مدیران جامعه در مسیر تصمیم‌گیری اشتباه افتاده‌اند.

❖ **رویکردهای دولت چهاردهم برای مدیریت بحران‌های زیست محیطی و به خصوص آب به چه صورت بوده است؟**

من فکر می‌کنم همکاران آقای پزشکیان به ایشان اطلاعات و توصیه‌های غلط می‌دهند. به عنوان مثال رئیس‌جمهور درباره بحران آب تهران گفتند باید تهران را تخلیه کرد. این در حالی است تهران نیاز به مدیریت دارد و با تخلیه کردن آن مشکلی حل نمی‌شود. شرایط کشور نیز به شکلی نیست که بتوان پایتخت وزیر اسبق علوم، تحقیقات و فناوری در نشست رومانیایی از کتاب «در اندیشه ایران: روایت ۸ سال معاون اولی» نوشته اسحاق جهانگیری گفت: آنچه در لایه‌لای مسطور این کتاب دیده می‌شود، موضوع اندیشه ایران و موضوع توسعه است. فهم توسعه و مقتضیات توسعه در جای جای این کتاب، خط پیوندزنده مطالب مختلفی است که در آن آمده است. رضا فرجی‌داناگفت: شعار توسعه علمي، شرط بقا یا رمز بقا؛ همچنان شعاری است که باید در سِرلوحه همه حرکت‌های ما باشد. برای توسعه علمی نیز نقش نهاد علم، نقشی مهم است. وی خاطرنشان کرد: اما نقش جدی ایشان در موضوع استقلال دانشگاه و برگرداندن اختیارات وزارت علوم — اختیاراتی که از دست رفته بود — در کتاب واقعاً مکتوم مانده است. مطلبی بود که فکر کردم در بیانات خودم، در ظرف پنج دقیقه‌ای که خدمت دوستان عرض

❖ **امروز که در شرایط بحرانی قرار داریم، همه چیز رها شده و مدیران تصمیم‌گیر تنها به مردم هشدار می‌دهند که مصرف خود را کم کنند و یا شیوه مصرف را تغییر دهند. ادامه این روند در نهایت ما را به نقطه صفر می‌رساند**

کشور را به جایی دیگر انتقال داد و کسانی که چنین ادعایی دارند یا واقعیت‌ها را نمی‌دانند و یا می‌کنند افکار عمومی را گمراه کنند. باید تهران را از مشکل رها کرد، نه اینکه آن را به حال خود رها کرد. شهردار تهران در جلسات هیات دولت حضور پیدا می‌کند، اما به حرف کسی گوش نمی‌کند و خودش تصمیم می‌گیرد و خودش اجرا می‌کند. به هر حال برخی تصمیم‌گیری‌ها باید در کشور انجام شود که خیلی از آنها روشن و واضح است. کسی که مدعی است باید تهران را تخلیه کرد باید به این پرسش پاسخ بدهد که اگر قرار باشد تهران تخلیه شود مردم قرار است کجا بروند؟ به هر حال مردم تهران هرجا بروند نیاز به آب دارند و باید مشخص کرد آب مورد نیاز آنها چگونه تأمین خواهد شد. این در حالی است که در شرایط کنونی اغلب مناطق کشور با بحران آب مواجه هستند و تنها تهران با این چالش مواجه نیست. با توجه به شرایط کشور نیازمند تصمیماتی هستیم که حداقل آب مصرف شود. در رادیو گفته می‌شد اگر می‌خواهید با شیلنگ ماشین خود را بشوید نازل نصب کنید. من خیلی تعجب کردم که رادیو به جای اینکه هم ارائه می‌دهد، نوع مدیریت بحران آب نیز مانند بودجه است که انتقاضی بسته می‌شود اما به صورت انبساطی عمل می‌شود.

❖ **آیا پس از انقلاب مسائل زیست محیطی فدای مسائل سیاسی نشد؟**

❖ **در رادیو گفته می‌شد اگر می‌خواهید با شیلنگ ماشین خود را بشوید نازل نصب کنید. من خیلی تعجب کردم که رادیو به جای اینکه به مردم بگوید آب منزل برای شستن ماشین نیست به آنها راهکار هم ارائه می‌دهد**

❖ **رضا فرجی دانا:**

بزرگ‌ترین ناترازی کشور، ناترازی عقلانیت است

تهران برای طرح مسائل کلان کشور، اقتصاد کلان، مسائل پولی و بانکی و سرمایه‌ای اجتماعی حدود ۱۰ ماه، در دولت بودم، اما از دور در طول هشت سال نظاره‌گر تلاش آقای دکتر جهانگیری بودم که پایه‌پاش مسئولان وزارت علوم برای برگشت این اختیارات از دست‌رفته وزارت علوم تلاش می‌کردند. موضوع استقلال دانشگاه‌ها در دنیای معاصر، موضوعی است که دانشگاه باید در امور حاکمیتی خود، تشکیلات، امور مالی و اداری دارای استقلال درونی باشد. این موضوع در دولت دوم آقای خاتمی با قانون تدوین شد، اما نتوانست پیشرفت کند. تدوین شد، ولی با تلاش‌های آقای دکتر توفیقی به قانون تبدیل شد و اجرا درآمد و تلاش بر این بود که ما با دانشگاه‌های مستقل بتوانیم پاسخگوی نیازهای جامعه باشیم. فرجی دانا با اشاره به محتوای کتاب افزود: در صفحه ۲۱۰ این کتاب به موضوعاتی اشاره شده که در دبیرخانه دانشگاه

تهران مدرن صلاحیت و امکان دارد، نمی‌توانیم از موضوع شاخص‌های توسعه عبور کنیم؛ و نقش نیازمندان است که دانشگاه‌ها بتوانند در این زمینه نقش خود ظاهر شوند. وی ادامه داد: آنچه در این کتاب آمده، به نظر من نکات بسیار آموزنده‌ای است که برای تاریخ‌سازان آینده می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. به قول رودکی: «نک اتم مختص گذشته روزگار / نیز نام آموزد از هیچ آموزگار». باید از گذشته روزگار و تجربیات مکتوب شده بیاموزیم. فرجی دانا با اشاره به بخش‌هایی از کتاب ادامه داد: در صفحات ۱۱۳ تا ۱۱۸ کتاب، موضوع مطالبی که در آموزش عالی محور اختلافاتی بود و نهایتاً به بحث استیضاح رسید، مطالب بسیار ارزشمندی نوشته شده است. حقیقتش وقت اجازه نمی‌دهد که وارد آن شوم. فکر می‌کنم همه عزیزان آن صفحات را ببینند و نوع چالش‌هایی را که آموزش عالی با آن مواجه بوده، درک کنند.

گزارش

هدف پنهان سفر بن سلمان به آمریکا

کریدور آیمک و دوزدن ایران در ترازنیت منطقه

در حالی که بسیاری به نتایج دو جانبه سفر بن سلمان به آمریکا توجه دارند، این سفر فرصتی نیز برای احیای ابتکار مهم اتصال منطقه‌ای که حدود دو سال در حالت توقف بوده، فراهم می‌کند؛ کریدور هند- خاورمیانه- اروپا (آیمک). کریدوری که جایگاه ژئوپلیتیکی ایران را به کلی دور می‌زند و خطرات بالقوه‌ای برای منافع ملی ایران خواهد داشت. این مسیر اقتصادی که طی اجلاس گروه ۲۰ در سال ۱۴۰۲ در دهلی‌نو با تبلیغات فراوان معرفی شد، به عنوان یک کریدور اقتصادی است که با هدف اتصال هند، خلیج فارس و اروپا طراحی شد. این کریدور به عنوان جایگزینی راهبردی برای مسیرهای دریایی موجود از دریای سرخ و کانال سوئز مطرح شد. این ابتکار تحت حمایت ایالات متحده، کشورهای هند، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، فرانسه، ایتالیا، آلمان و اتحادیه اروپا را به عنوان امضاکنندگان گردهم آورد. ساختار کریدور همچنین شامل اردن و اسرائیل به عنوان کشورهای مشارکت‌کننده است. ترامپ در دیدار فوریه خود با نانارد رامودی، نخست‌وزیر هند، این پروژه را «یکی از بزرگ‌ترین مسیرهای تجاری تاریخ» خواند.

❖ کریدور آیمک

از نظر ساختاری، بخش حمل‌ونقل آیمک شامل دو بخش اصلی است. بخش شرقی یک مسیر دریایی است که بنادر غربی هند را به امارات متحده عربی متصل می‌کند. بخش شمالی یک مسیر دریایی دیگر است که بندر حیفا در اسرائیل را به بنادر کلیدی اروپا، همچون مarse در فرانسه و پیره و یونان وصل می‌کند. حلقه اتصال این دو بخش دریایی، شبکه‌ای ریلی به طول حدود ۲۶۰۰۰ کیلومتر از بندر جبل علی امارات، عبور از خاک عربستان و واردن و اتصال به اسرائیل است. این مسیر چندشویه‌ای می‌تواند زمان و هزینه حمل‌ونقل را کاهش دهد و جایگزینی سریع‌تر و امن‌تری تجارت میان آسیا و اروپا ارائه نماید. محمد بن سلمان این کریدور را به دلیل صرفه جویی در زمان و هزینه و همچنین نقش آن در امنیت انرژی جهانی ستوده است.

❖ ایران و کریدور آیمک

کریدور هند- خاورمیانه- اروپا، در صورت احیا می‌تواند مسیرهای تجاری بین آسیا و اروپا را متحول کند اما برای ایران پیامدهایی دارد که هم جنبه تهدید دارد و هم بالقوه می‌توانند به فرصت‌های جدید تبدیل شوند. نکته نخست اینجاست که این پروژه در طراحی اولیه ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو در نظر نگرفته است و عبور آن از مسیرهای جایگزین، ممکن است جایگاه تاریخی ایران به عنوان گذرگاه اصلی ترازنیت منطقه را تضعیف کند. یکی از مهم‌ترین آثار این کریدور برای ایران، دورزدن مسیرهای زمینی و دریایی کشور است. ایران به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی خود میان دریای عمان، خلیج فارس، آسیای مرکزی و اروپا، قرن‌ها بخشی از مسیرهای اصلی تجارت بوده است. مسیر ریلی و دریایی کریدور هند- خاورمیانه- اروپا که از بنادر هند آغاز و از طریق امارات، عربستان سعودی، اردن و فلسطین اشغالی به اروپا می‌رسد، عملاً جایگزینی برای مسیرهای عبوری از ایران ایجاد می‌کند. این روند، در صورت تداوم، می‌تواند سهم ایران از درآمد ترازنیت و نفوذ در تجارت منطقه را به طور قابل توجهی کاهش دهد. با وجود تهدید حذف از مسیر، ایران هنوز می‌تواند جایگاهی مکمل در این کریدور پیدا کند. در صورت بهبود مناسبات با برخی کشورهای عضو و تعریف پروژه‌های اتصال موازی بافرعی، ایران می‌تواند به مسیر جانی کریدور هند- خاورمیانه- اروپا بدل شود. این مشارکت ممکن است به شکل اتصال خطوط ریلی داخلی به شبکه اصلی یا ایفای نقش در حمل‌ونقل چندشویه‌ای و لجستیک انجام شود. تحقق چنین سناریویی نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نوین، ایجاد ضمانت‌های امنیتی و بازنگری در سیاست خارجی است تا شکریای منطقه‌ای اعتماد بیشتری به همکاری با ایران پیدا کنند.

❖ پیامدهای اقتصادی و تجاری

این کریدور با کاهش زمان و هزینه حمل‌ونقل کالا، جذابیت زیادی برای شرکت‌های بین‌المللی دارد. چنین کاهش هزینه‌ای به معنای رقابت شدیدتر بین مسیرهای جایگزین با مسیرهای ایران است. اگر ایران بیرون از شبکه باقی بماند، ممکن است حجم تجارت خارجی، به ویژه با بازار اروپا، افت کند. اما مشارکت فعال ایران در این کریدور می‌تواند به توسعه بازارهای صادراتی، جذب سرمایه خارجی و ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش حمل‌ونقل و صنایع وابسته منجر شود. پروژه سیاسی- امنیتی نیز محسوب می‌شود. نزدیکی کشورهای عربی خلیج فارس با اروپا و رژیم اسرائیل می‌تواند موازنه سیاسی منطقه را تغییر دهد. این دگرگونی هم هشدار برای برای بازنگری در سیاست منطقه‌ای باشد. کنادگشته‌شدن در چنین ابتکارهایی، خطر انزوا ی سیاسی و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران را افزایش می‌دهد. در مقابل، در صورت احیاشدن این کریدور، حتی مشارکت محدود می‌تواند جایگاه ایران را در معادلات منطقه‌ای بازتعریف کند و بخشی از فشارهای امنیتی را کاهش دهد.